

«زن و مطالعات خانواده»

سال پانزدهم - شماره پنجاه و پنج - بهار ۱۴۰۱

ص ص: ۴۷-۶۷

ضرورت مداخله قانونگذار در نهاد مهریه در جهت حل معضل اجتماعی امروز

دکتر عباسعلی اکبری^۱

دکتر سالار صادقی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۷

چکیده

شرع و قانون برای حمایت از زنان، «مهریه» را مقرر کرده است. اما مهریه از ارکان نکاح دائم نبوده، حتی عقد نکاح بدون آن هم صحیح است. مهریه‌های سنگین به‌عنوان یکی از معضلات حقوقی و اجتماعی جامعه به‌شمار می‌آید. به‌نحوی که در خیلی از موارد، مهریه‌های نامتناسب و نامعقول به جای تأمین پشتوانه مالی زوجه و استحکام خانواده، ابزاری برای تهدید و ایجاد اضطراب در خانواده و در نتیجه موجب تزلزل در بنیان خانواده می‌شود تا جایی که موجب بروز پدیده شوهرآزاری گردیده است. لذا مسأله این است که آیا حاکمیت می‌تواند بنا به مصلحت در تعیین میزان مهریه مداخله کرده، طی یک قاعده آمره آن را تحدید و تعدیل کند و برای کاهش مشکلات حقوقی و اجتماعی از تعیین مهریه‌های نامتناسب و سنگین جلوگیری کند؟ بر این اساس، در مقاله حاضر به این نتیجه رسیده‌ایم که دولت بر مبنای مصلحت و ضرورت، می‌تواند در نهاد مهریه مثل سایر مسائل حقوقی که ابعاد اجتماعی دارند، مداخله کرده، از طریق تقنین در صدد تعدیل و تحدید مهریه برآید.

واژگان کلیدی: مهریه، قانون، مصلحت، ازدواج، شوهرآزاری.

۱- استادیار، گروه حقوق، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

۲- دانش آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

مقدمه

نهاد مقدس خانواده در آموزه‌های دینی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و مورد توجه اندیشمندان نیز قرار گرفته است. تلاش برای تثبیت و استواری نهاد خانواده و اقدام برای از هم نگسستن آن همواره از مهم‌ترین دغدغه‌های مسئولان هر جامعه محسوب می‌شود. اصل دهم قانون اساسی نیز بر تشکیل خانواده و پاسداری از قداست و استواری روابط خانوادگی تأکید دارد. اگرچه در آموزه‌های دینی به سبک گرفتن مهریه توصیه شده است، در گذر زمان این نوع نگرش متحول شده، مهریه به‌طور بی‌رویه افزایش یافته، و به معضلی اجتماعی تبدیل شده است. باینکه برای مهریه در اسلام سقفی قرار داده نشده است، قرار دادن مهریه سنگین حتی اگر از نظر اسلام ممنوع نباشد، ناپسند قلمداد می‌شود.

مهریه در نظام حقوقی خانواده از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به‌عنوان یکی از حقوق مالی زن در جریان ازدواج، تاکنون کمتر مورد توجه منظرهای غیرحقوقی قرار گرفته است. سیره قولی و عملی ائمه (ع) و بزرگان نیز همواره به این امر تأکید نموده و سبک بودن میزان آن را به‌عنوان یک هدیه از طرف مرد توصیه کرده‌اند؛ ولی در گذر زمان این نوع نگرش متحول شده و مهریه به‌طور بی‌رویه افزایش یافته و به یک مسأله اجتماعی تبدیل شده است (یوسف زاده، ۱۳۸۴، ۴۸). در حال حاضر میلیون‌ها جوان در ایران در سن ازدواج قرار دارند و یکی از شرایط لازم امر ازدواج مسأله مهریه است که سنگین بودن آن موجب گریز از ازدواج شده است و مانع تسهیل ازدواج جوانان می‌گردد. لذا تعیین میزان مهریه به‌نوعی که قابل پرداخت بوده و جلوی سوءاستفاده‌های احتمالی را بگیرد، تبدیل به یکی از معضلات اجتماعی شده است (قلی زاده و غفاریان، ۱۳۹۰، ۱۲۳). بدین ترتیب نباید به مهریه به‌عنوان یک نهاد صرفاً فقهی و حقوقی نگریست بلکه باید تمامی جنبه‌ها و ابعاد آن خصوصاً ابعاد اجتماعی آن را در نظر گرفت.

بنابراین به لحاظ توالی فاسد مهریه‌های سنگین برای مردان و خانواده‌ها و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی آن این مسأله مطرح می‌شود که قانونگذار باید در تعدیل آن بکوشد و سقفی برای آن مشخص کند تا از نابهنجاری‌های خانوادگی و اجتماعی و همچنین از وقوع شوهرآزاری در کانون خانواده توسط زن جلوگیری به عمل آید. بررسی این مسأله مستلزم پاسخ به این سؤالات است که:

سؤالات تحقیق

الف- ابعاد حقوقی و اجتماعی مهریه‌های سنگین چیست و چگونه می‌تواند ابزاری برای شوهرآزاری تلقی شوند؟

ب- ضرورت مداخله قانونگذار در تعدیل و تحدید مهریه جهت کاهش توالی فاسد آن چگونه توجیه می‌شود؟

روش تحقیق

مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و به صورت نظری به بررسی ابعاد فقهی و حقوقی مهریه و مشکلات اجتماعی مهریه‌های سنگین پرداخته و سپس پیشنهادهای لازم را جهت اصلاح مقررات مرتبط ارائه می‌کند.

۱- مبانی فقهی و حقوقی مهریه و تأملی در میزان آن

در ارتباط با فلسفه مهریه می‌توان گفت در حقوق اسلام، مهریه هدیه و پیشکشی است از ناحیه مرد به زن برای به دست آوردن او و ابراز علاقه شدید خود به زن و همین حس و حال باعث ایجاد شوق و شخصیت دادن به زن می‌شود.

از دیدگاه اسلام مهر نه اجرت است چنانکه برخی پنداشته‌اند، چراکه هر دو از لحاظ جنسی از هم متنعم می‌شوند. (زمخشری، ج ۲، ۲۵) و نه قیمت زن است چراکه خریدوفروش در میان نیست بلکه نوعی پیشکش، بخشش و هدیه مرد به زن است که از یک سو نشانه صداقت مرد در امر ازدواج و اظهار علاقه او به همسرش به حساب می‌آید که در قرآن کریم در آیه "وآتوا النساء صدقاتهن نحله (نساء، ۴) از آن تعبیر به نحله و هدیه کرده است و از سوی دیگر می‌تواند در موارد لازم پشتوانه زندگیش باشد (بهمن پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶، ۱۰۳). در حقوق اسلام برای اینکه به مرد یادآوری شود که زن موجود ارزشمند و دارای شخصیت متعالی است. یادآوری می‌کند که این در فطرت انسان‌ها قرار داده شده که برای به دست آوردن مهر و عطوفت و دل زن باید غرور و زور خود را به کنار گذاشته و با حالت خضوع و نیاز، هدیه و پیشکشی به همسر آینده خود بدهد (مطهری، ۱۳۵۹، ۱۹۶-۱۹۷). اینکه خداوند متعال مهریه را بر مرد واجب نموده و زن را به پرداخت چیزی موظف نکرده است، بدین معناست که مهریه عطیه‌ای از سوی خداوند برای زنان است (طوسی، ۱۳۸۷ م، ۱۰۹). به عبارت دیگر، مهریه هدیه‌ای بلاعوض و برخوردار از ارزش نمادین است در صورتی که عرف موجود (امروزه) آن را به منزله عوض و وثیقه تلقی می‌کند. مهریه وثیقه در برابر طلاق نیست زیرا مالکیت زن بر فرض عدم اراده طلاق نیز مستقر است (فهیمی و بصارتی، ۱۳۹۱، ۸۵).

در دیدگاه فقیهان با دو دسته از تعابیر مواجهیم؛ در دسته نخست ظاهر نکاح را در زمره عقود معاوضی بر شمرده و به تبع آن، به مهریه به مثابه عوض توجه می‌کنند؛ اما در دسته دوم، فقیهان به صراحت تأکید دارند که عقد نکاح جزء عقود معاوضی محض نیست. دسته نخست مانند علامه حلی و شیخ طوسی و برخی فقهای اهل سنت گفته‌اند تعیین میزان مهریه از اختیار متعاضین است. اما دسته دوم که فقهای امامیه هستند، معتقدند نکاح مانند بیع معاوضه نیست و از این رو، نام نبردن از مهریه در عقد، به صحت نکاح خللی وارد نمی‌سازد. حقیقت این است که مهریه هدیه‌ای بلاعوض

است و قرآن در آیه ۲۴ سوره نسا نیز بر این امر اشاره دارد. لکن مهریه در عقد نکاح دائم رکن نیست؛ بلکه زوجین ارکان اصلی عقد به شمار می‌آیند (فهیمی و بصارتی، ۱۳۹۱، ۷۳-۸۶). بنابراین نکاح نه معامله است و نه عبادت. به همین دلیل نبودن مهریه یا فاسد بودن آن موجب بطلان نکاح نیست. مساله مهم این است که اصل مهریه در شرع تأیید شده است اما میزان آن تعیین نشده و بر عهده عرف جامعه گذاشته شده است. ماده ۱۰۸۰ قانون مدنی نیز مقرر نموده است که تعیین مقدار مهریه منوط به تراضی طرفین است. اما اگر طرفین میزان آن را تعیین نکنند به زن مهرالمثل تعلق می‌گیرد.

لذا مهریه جنبه معاوضی ندارد بلکه مسائلی چون انس و الفت و اهمیت تشکیل خانواده جنبه معاوضی بودن آن را تحت الشعاع قرار داده است و از این رو مهریه در نکاح جنبه فرعی دارد و مانند عوض در معاملات نیست. در واقع مهریه در راستای تحکیم بنیان خانواده و اثبات علاقه زوج به تداوم زندگی خانوادگی در عقد نکاح مقرر شده است (صیاد و آقایی بجستانی، ۱۳۹۵، ۱۵۳) و قیمت زن یا عوض عقد نکاح محسوب نمی‌شود.

عده‌ای مهریه را نوعی ضمانت محسوب می‌کنند زیرا زن در بافت اجتماعی حلقه شکننده‌تری است. لذا مهریه پشتوانه مالی برای اداره زندگی زن است. همچنین مهریه می‌تواند یک احساس امنیت در زن به وجود آورد (قلی زاده و غفاریان، ۱۳۹۰، ۱۲۵). هرچند ازدواج دائم، بدون مهریه باطل نیست ولی جنبه اصلی و عمومی نکاح که مقتضای ذات عقد است جنبه انسانی داشته و مهریه در آن جنبه فرعی و خصوصی دارد (کاویانی‌فرد، ۱۳۹۳، ۱۵۹).

از طرف دیگر، مهریه می‌تواند کمبود سهم‌الارث زن در حقوق ما را تا حدی جبران کند و همچنین نشانه ارج و احترامی است که مرد برای زن قائل است و مظهر تعهد شوهر برای تأمین زندگی زن است. گاهی مهریه که هنگام انحلال ازدواج مطالبه می‌شود، مانع گسستن پیوند زناشویی می‌گردد و تضمینی برای دوام ازدواج به شمار می‌آید. در صورت وقوع طلاق هم مانع پریشانی و درماندگی زن می‌گردد (فیضی، ۱۳۸۶، ۵). این مهریه که قرار است به‌عنوان نشانه علاقه و محبت و احترام از طرف مرد به زن پرداخت شود در برخی موارد تبدیل به ابزاری برای تحت فشار قرار دادن مرد می‌گردد که با فلسفه وضعی آن تعارض آشکار دارد و نوعی بی‌عدالتی در حق مرد و نقض غرض تلقی می‌شود.

مهریه‌ای که در قرآن از آن با عنوان «صداق» یاد شده است نشانه صداقت، مهر، محبت شوهر به زن است. مهریه‌های سنگین در نظام حقوقی ایران جایگاه معنوی ندارد چراکه روایات ائمه معصومین (ع) و آرای فقها، عموم مسلمین را به مهریه‌های سبک تشویق می‌کنند (توجهی و ملک‌شاه، ۱۳۹۲، ۵۷). همان طوری که از نام مهریه (صداق) پیداست مهریه نوعی هدیه از سوی مرد به زن است که امروزه طبق نظر روانشناسان دادن هدیه از سوی مرد به زن می‌تواند در ایجاد و تقویت عشق و عاطفه بسیار مفید باشد لذا مهریه باید در بهترین لحظات زندگی و زمانی که

زوجین در اوج صفا و صمیمیت قرار دارند از سوی مرد به زن پرداخته شود. اما عدم دقت در تعیین میزان مهریه و عدم تناسب آن با واقعیت‌های مالی مرد، ممکن است پیامدهای مخرب و ناصوابی را در پی داشته باشد و به بنیان خانواده لطمه وارد سازد. چون مهریه حقی است شرعی و به مجرد عقد زن مالک آن می‌گردد و می‌تواند در آن هر گونه دخل و تصرفی نداشته باشد و حتی بعد از فوت به ارث هم می‌رسد. بنابراین توجه به جنبه عاطفی مهریه که منشأ آن هدیه و بخشش است ضروری می‌نماید و چه بسا مهریه‌های کلان که نتوانسته در استحکام نهاد خانواده کارساز باشد. باید به این امر توجه داشت که برای ایجاد تعادل در هر امری نقطه ثابتی لازم است که مهریه‌های بالا که اساساً غیرقابل پرداخت هستند بدون تردید به نقطه ثابت زندگی و وفای خانوادگی که می‌تواند وفای اجتماعی را دربرداشته باشد لطمه وارد می‌سازد.

در مورد میزان مهریه لازم به ذکر است سفارش به سبک گرفتن مهریه در دین اسلام را می‌توان از روایاتی استنباط کرد برخی از روایات بر استحباب مهریه کم و کراهت مهریه زیادتیر تأکید دارند. پیامبر اکرام (ص) می‌فرماید: "بهترین زنان امت من خوب‌روترین و کم مهریه‌ترین آنان هستند" و همچنین می‌فرماید: "بهترین مهریه سبک‌ترین آن است" و در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: "شومی و ناخجستگی زن، زیاد بودن مهریه او و نافرمانی از شوهرش است (محمدی ری‌شهری، ۱۳۷۷، ۲۲۵۷). از امام باقر (ع) نیز نقل شده است که "زن بابرکت، زنی است که مهریه او سبک باشد و مهریه سنگین علامت شومی آن زن است (جرعاملی، ۱۴۱۲، ۱۵/۱۰). لذا باید تعیین مهریه‌های سنگین را مذموم دانست و مسلماً مهریه خارج از اعتدال، مطلوب شارع نیست. البته مشهور فقهای امامیه قائل به رعایت کمیت و میزان خاصی برای مهریه نیستند ولی نظرات مخالف غیرمشهور نیز وجود دارد که حداکثر مهرالمسی را تعیین کرده‌اند. ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱ در راستای تعدیل مهریه مقرر نموده است اگر میزان مهریه بیش از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی باشد فقط ملائت زوج ملاک است و فرد بازداشت نخواهد شد. در این صورت اثبات قدرت پرداخت بر عهده زوجه خواهد بود. اما در حال احتمال بازداشت زوج بابت قسمتی از مهریه تا میزان ۱۱۰ سکه وجود دارد (جعفری، ۱۳۹۴، ۳۴۱-۳۴۲). در فقه امامیه دو نظر در خصوص مقدار مهریه وجود دارد: برخی معتقد به مهرالسنه بوده و می‌گویند میزان مهریه نباید بیشتر از پانصد درهم باشد. اما اکثریت فقها به مهریه توافقی معتقدند و حداکثری را برای آن معین نکرده‌اند. تمسک قانونگذار به نظر دوم موجب افزایش مهریه در جامعه شده است و بدین ترتیب از مهریه بالا به‌عنوان حربه‌ای برای محدود کردن اختیارات مرد استفاده می‌شود. اندیشمندان برای کاهش مقدار مهریه راهکارهایی ارائه کرده‌اند مانند مالیات بر مهریه، مشروط نمودن به عندالاستطاعه در عقدنامه‌ها و حکم حکومتی مبنی بر تعیین مقدار مهریه به میزان مهرالسنه (وزیری فرد و فلاح تفتی، ۱۳۹۲، ۲۲). شهید ثانی در این خصوص می‌نویسد: قرار دادن مهریه به

مقدار بیش از مهرالسنه مکروه است. مراد از مهرالسنه مقدار مهریه‌ای است که پیامبر برای تمام همسرانش قرار می‌داد که پانصد درهم، معادل پنجاه دینار است (جبعی عاملی، ۱۳۸۱، ۴۳۹).

برای این که تعهد به پرداخت مهریه از منظر حقوقی واجد شرایط صحت باشد باید این دارایی در زمان ایجاد تعهد وجود داشته باشد یا در آینده‌ای قابل تعیین با احتمالی قریب‌به‌یقین زمینه وجود آن مساعد باشد در غیر این صورت یعنی تعهد بر تسلیم مالی که وجود آن محل شک باشد نه‌تنها استفاده از اهرم‌های ضمانت اجرایی قانونی برای آن میسر نیست بلکه اساساً تعهد به معنای حقوقی آن واقع نشده و نمی‌تواند منشأ اثر حقوقی باشد.

تعهد غیرممکن یا نامقدور از مصادیق چنین تعهداتی است به‌طوری‌که اگر بایع مبادرت به فروش مالی کند که قدرت بر تسلیم آن ندارد قطعاً چنین معامله‌ای بر اساس ماده ۳۴۸ قانون مدنی صحیح نیست و فاقد اعتبار قانونی است. بنابراین در خصوص تعیین چنین مهریه‌هایی نیز اگر مشخص شود که متعهد (زوج) قدرت بر تسلیم موضوع تعهد را بالفعل یا بالقوه ندارد که امروزه در بیشتر موارد چنین است تلقی از چنین توافقی به‌عنوان تعهد محل اشکال خواهد بود. البته توجیه آن از رهگذر اصل حاکمیت اراده طرفین شاید صحیح باشد اما حدود و قلمرو این حاکمیت اراده دقیقاً باید مشخص و معلوم باشد و اعتقاد به قلمرو نامعین صرفاً با استناد به ماده ۱۰ قانون مدنی تفسیری مخالف با روح قانون خواهد بود بخصوص در موردی که طرفین تعهد از اول (زمان عقد نکاح) عالم به عدم امکان تسلیم و تسلیم یکدیگر در مورد چنین مهریه‌های هنگفتی باشند. در مواردی دیده شده مهریه به تعداد تاریخ تولد زوجین تعیین گردیده که بر این اساس ضرورت بازنگری و تعدیل مهریه‌های سنگین بیشتر جلوه‌گر می‌شود.

می‌توان با وحدت ملاک برآمده از ماده ۳۴۸ قانون مدنی که عدم امکان تسلیم را سبب بطلان قرارداد می‌داند، در مورد مهریه نیز همین حکم را جاری کرد. لذا نمی‌توان به صحت مهریه‌های سنگینی که عندالمطالبه بر ذمه زوج قرار می‌گیرد حکم کرد چراکه امکان تسلیم این مهریه به وصف موجود برای زوج وجود ندارد. برخی از فقها چنین مهریه‌هایی را به علت عدم توانایی زوج جدی تلقی نکرده و معتقدند اراده واقعی در این خصوص وجود ندارد که معنای آن بطلان توافق بر مهریه است. این‌گونه مهریه‌ها با چنان قرائتی که گفته شد جدی نیست. بنابراین به اجرا گذاشتن آن در صورت عدم قدرت جایز نیست (جلالی، ۱۳۸۹، ۱۹۵). دلایل فقهی را که می‌توان برای بطلان چنین مهریه‌هایی بر شمرد عبارت‌اند از غرر، غیرعقلایی و سفهی بودن تعهد و عدم مالیت و قاعده فقهی «بطلان کل عقد بتعذر الوفاء بمضمونه». به موجب این قاعده، هر عقدی که وفا به مضمون آن متعذر و ناممکن باشد باطل است. به عبارتی هرگاه طرفین معامله به چیزی متعهد و ملتزم شوند اما بعد از انعقاد عقد، وفای به آن برای همیشه ناممکن گردد، معامله باطل خواهد بود بدون آنکه خللی به صحت عقد نکاح وارد شود. لذا مهریه سنگین و غیرقابل پرداخت، بار حقوقی ندارد (سرباز جمشید، ۱۳۹۵، ۸۶). بدین ترتیب رقم مهریه اگر به اندازه‌ای بالا باشد که از نظر عرفی

رقم نجومی و غیرقابل اجرا گذاشته شود به طوری که دو طرف یقین دارند که تا آخر عمر مرد نمی‌تواند تحت هیچ شرایطی به تعهد پرداخت مهریه عمل نماید و حتی پس از مرگ نیز ترکه او هرگز کفاف پرداخت این دین را نخواهد داشت مهریه را باید باطل قلمداد کرد.

۲- ابعاد اجتماعی و حقوقی مهریه‌های سنگین

نظام خانواده در اسلام مبتنی بر پنج اصل قرآنی است: ولایت (نساء - ۳۴)، مصلحت (تحریم - ۱۱)، مودت و رحمت (روم - ۲۱)، رفق و مدارا (احزاب - ۳۷) است و مردسالاری یا زن‌سالاری جایگاهی در آن ندارد. معاوضه‌های پیرامون مهریه اغلب به خاطر نقض این اصول پنج‌گانه است. نظام خانواده همانند سایر نظام‌های اجتماعی نیازمند نظم اجتماعی است و این نظم جز با رعایت این اصول ممکن نیست. هرگونه انسجام درونی و مشارکت عمومی در خانواده‌ها مولود این اصول است و نمی‌توان بدون توجه به آن‌ها مسأله مهریه را در مسیر منطقی خود قرار داد تا به تحکیم خانواده بیانجامد. (طباطبایی، ۱۳۹۶، ۸۴)

از جمله کارکردهای اجتماعی مهریه، ارضای نیاز فطری، بیمه اجتماعی، احساس امنیت نسبت به آینده و ارزش نمادین ذکر شده است و در ادامه مطرح می‌شود که در عصر کنونی مهریه علیرغم سفارش به سبک گرفتن میزان آن در حال افزایش است که پیامدهایی از جمله تغییر در نوع همسرگزینی، کاهش نرخ ازدواج، ایجاد خصومت و دشمنی، احتمال سوداگری و موارد دیگر به همراه دارد (یوسف زاده، ۱۳۸۴، ص ۴) مهریه‌های سنگین علاوه بر آثار و تبعات منفی که در جامعه دارد باعث بالا رفتن سن ازدواج، رشد افسردگی در میان جوانان، سردرگمی و بی‌هدفی در بین آن‌ها و نیز آثار منفی دیگری نظیر سوق دادن دختران و پسران ضعیف‌الایمان به سوی انحرافات اجتماعی می‌شود. با افزایش میزان مهریه، زنان احساس می‌کنند دارای پشتوانه محکمی هستند و برای حفظ زندگی زناشویی از هنر زنانگی خود می‌کاهند و یا آن را فراموش می‌کنند، لذا مردان در ضمیر ناخودآگاه خود احساس بردگی کرده و برای رهایی از آن دنبال چاره می‌گردند و به جهت عدم امکان چاره‌جویی به صورت ناخواسته عصبی و پرخاشگر می‌شوند و فشار وارده از طرف زن را با چندین برابر تقویت و به طرف مقابل برگشت می‌دهند. تردیدی نیست که مهر سبک مورد سفارش و تأکید اسلام بوده و است. برخلاف باور برخی، مهریه سنگین به جای اینکه موجب عمل به دستور قرآن و ایجاد محبت و مودت شود، باعث شومی و زمینه‌ساز عداوت کدورت بین زوجین و خانواده‌های آن‌ها می‌گردد.

لازمه اساسی پیشرفت تمدنی، ثبات اجتماعی است و جامعه‌ای که در آن روابط زناشویی از ثبات کافی برخوردار نباشد در مسیر تمدن‌سازی دچار تزلزل خواهد شد. ناآرامی، انشقاق و سلب اعتماد در روابط زوجین و در نتیجه طلاق، از اساسی‌ترین آسیب‌هایی است که برخورد اشتباه با مسأله مهریه برای جامعه کنونی ایران رقم زده است. برخوردهای اشتباهی که گاهی هریک از

زوجین و یا خانواده آن‌ها به آن دامن می‌زنند (طباطبایی، ۱۳۹۶، ۷۳). متأسفانه جامعه ایرانی در مورد میزان مهریه، راه افراط را پیش گرفته و مفهوم مذهبی و سنتی مهریه را کاملاً دگرگون ساخته است زیرا نظر شارع مقدس در مورد مهریه قطعاً این نبوده که به میزانی باشد تا شوهر از عهده پرداخت آن بر نیاید. چه دین اسلام، شریعت سهل و ساده‌ای است - شریعه سهله سمحه - و مقررات آن درباره ازدواج از هرگونه عسرت و اشکال عاری است. از این قرار، در عرف ما برخی از مقررات اسلامی از جمله «مهر» از مسیر فلسفه وضعی آن منحرف شده است. جامعه کنونی ما دیگر «مهر» را یک هدیه الزامی تلقی نمی‌کند بلکه در نظر اکثر مردم ایران، مهر، وثیقه نکاح است و جریمه طلاق و هرچه قدر، میزان و اندازه آن سنگین باشد، وثیقه، محکم‌تر و جریمه سنگین‌تر خواهد بود!! برخی، زیادی مهریه را تمهیدی برای استحکام بنیان خانواده و ارتقای محبوبیت و اعتبار زن در نزد مرد می‌دانند. قطع نظر از درستی یا نادرستی، مطالعات نشان می‌دهند که مهریه‌های سنگین بزرگ‌ترین مانع رهایی از تنگناهای زندگی ناموفق است و موجبات یأس از امکان رهایی و اتخاذ سیاست سوختن و ساختن را فراهم می‌سازد.

لذا باید متذکر شد متأسفانه امروزه به دلیل دگرگونی در ارزش‌های مذهبی و اخلاقی مردم، باور به هدیه بودن مهریه و مدیون شدن مرد به زن، با تعیین مهریه سنگین جای خود را به باورهای اقتصادی سپرده است. بنابراین افزایش میزان مهریه‌ها، کارکردهای منفی آن را به شدت افزایش داده است که از مهم‌ترین آسیب‌های آن می‌توان به سیطره نگاه مادی بر ازدواج، افزایش سن ازدواج و کاهش نرخ ازدواج، شوهرآزاری و افزایش آمار طلاق و بروز مشکلات حقوقی و عسر و حرج شدید برای مرد اشاره کرد.

مهریه‌ای که در سنت و شرع مقدس پیش بینی شده به عنوان یک سرمایه نیست و امروز موضوع مهریه از اهداف نخستین وضع آن کاملاً دور شده و نه تنها عاملی برای تحکیم نهاد خانواده نیست، بلکه موجب سیطره نگاه مادی بر معنویت عشق و علاقه‌ای است که لازمه استمرار و بقای زندگی مشترک است؛ لذا نگاه قانون‌گذار به موضوع مهریه در جهت توجه به ابعاد اجتماعی مهریه و سایه‌ای است که بر زندگی مشترک می‌افکند. امروزه با توجه به شرایط روز زندگی بشری و تحولاتی که در نهاد خانواده رخ داده باید سعی در حفظ و بقای زندگی مشترک کرد اما این امر از طریق بیم حبس از نپرداختن مهریه محقق نمی‌شود. اگر اختلافی هم وجود دارد علل و ریشه اختلاف را باید پیدا کرد و راه پایان دادن به اختلافات خانوادگی، چه منتج به سازش میان طرفین گردد و چه جدایی، رسیدن به یک راهکار مشترک است و نباید مهریه به عنوان اهرم فشاری در روابط طرفین قرار گیرد و یا عاملی برای ایجاد موازنه در برابر حق طلاق مرد باشد.

اگرچه وصول مهریه پشتوانه خوبی برای زنان است اما وصول مهریه برای مرد در خیلی از موارد موجب عسر و حرج شدید و زمینه‌ساز آسیب‌های اجتماعی است لذا تعیین مهریه‌های سنگین نه تنها مهریه را از وصف هدیه و تحفه خارج می‌نماید بلکه با نقض غرض قانونگذار (استحکام

خانواده)، موجبات تزلزل و فروپاشی خانواده‌ها را نیز به دنبال دارد. ضمن اینکه حق حبس زوجه به استناد ماده ۱۰۸۵ قانون مدنی و حق وکالت وی در مطلقه نمودن خود با توسل به استفاده ناروا از حق خود، ناقض و نافی فلسفه نکاح بوده و مخاطرات اجتماعی را تشدید می‌نماید.

این در حالی است که بزرگان دین مکرراً برای تسهیل ازدواج سفارش کرده‌اند که در مورد مهریه و صدق سختگیری نشود. در روایتی از حضرت علی (ع) نقل شده است که «مهریه‌ها را زیاد نگیرید که مایه دشمنی است.»^۳ (نوری، ۱۳۲۰ ق، ج ۱۵، ص ۶۶). مهرهای بسیار سنگین عملاً علاوه بر این که سدی در راه تشکیل خانواده و تأخیر در انجام ازدواج بوده است نتوانسته اثر مطلوبی در جلوگیری از جدایی زوجین داشته باشد. امروزه مهریه‌های سنگین به صورت یک وجه التزام سنگین در اختیار زوجه قرار می‌گیرد تا با استفاده از قدرت آن اعمال سلیقه و تهدید نماید (بهمن پوری و جعفرپور، ۱۳۹۶، ۱۱۶).

مهریه‌های سنگین امروزی از یک طرف اهرمی برای فشار بر روی مرد است تا ملزم به حفظ بنیان خانواده باشد و از سوی دیگر به اسلحه‌ای دفاعی برای زنان تبدیل شده تا هرگاه از جانب همسران خود احساس خطر کردند بتوانند با کمک آن مرد را در تنگنا قرار داده و احياناً طلاق بگیرند. مهریه‌های سنگین نمی‌تواند تضمین مطمئنی برای ادامه زندگی زناشویی باشد چون علاوه بر اینکه سدی در راه تشکیل خانواده و تأخیر در انجام ازدواج بوده است، نتوانسته اثر مطلوبی در جلوگیری از جدایی زوجین داشته باشد (عظیم زاده اردبیلی، ۱۳۹۱، ۱۱۳۱).

یکی از مظاهر آسیب‌های اجتماعی تعیین مهریه‌های سنگین و عوارض بعدی آن، بروز پدیده "شوهرآزاری" در جامعه ایرانی است. در تعریف «شوهرآزاری» گفته می‌شود: رفتاری آزاردهنده از سوی زن علیه شوهر که در محیط خانواده به وقوع می‌پیوندد و حقوق او را پایمال می‌کند، البته ممکن است جنبه روانی، جنسی، اقتصادی، جسمی داشته باشد. (قاسمی روشن، ۱۳۸۲، ۴۵-۵۰).

آنچه در خصوص همسر آزاری در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، مردانی هستند که توسط زنان نشان مورد آسیب و خشونت قرار می‌گیرند هرچند تفکر و دیدگاه غالب در مورد همسرآزاری، خشونت علیه زنان را در ذهن متصور می‌کند اما آمارها حکایت از افزایش شوهر آزاری دارند هرچند هنوز شوهرآزاری هم‌تراز با زن آزاری نیست اما با ملاحظه شرایط فرهنگی که مردان حاضر به افشای خشونت علیه خود نیستند، می‌توان آن را بررسی کرد. بنابراین، به نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین تبعات و کارکردهای منفی مهریه، «شوهرآزاری» است. امروزه مهریه در برخی موارد به ابزاری برای شوهرآزاری تبدیل شده است. خشونت، آزار روحی، روانی و حتی جسمی علیه مردها چیزی که از آن با نام «شوهرآزاری» یاد می‌شود، با توجه به پژوهش‌هایی که امروزه در ارتباط با مسأله خشونت‌های خانگی صورت می‌گیرد، نشانگر آن است که مصادیق خشونت‌های

خانگی فراتر از آزار و اذیت فیزیکی بوده و می‌تواند در اشکال غیر فیزیکی و پنهان‌تر هم اعمال گردد. هرچند شوهرآزاری از پدیده‌های رقم سیاه است اما گزارش‌هایی از آن بعضاً منتشر می‌شود. مثلاً در سال ۱۳۹۳ بر اساس اعلام رسمی پزشکی قانونی کشور، به پرونده بیش از یک‌هزار و ۵۰۰ مرد رسیدگی شده بود که قربانی خشونت و آزارهای روحی و روانی از سوی همسران‌شان شده بودند (فرارو، ۱۳۹۵، ۱).

یکی از قواعد فقهی که برای اثبات مخدوش بودن مهریه نامتعارف می‌توان به آن استناد کرد قاعده «بطالان معاملات سفهی» است. از نظر فقهی، در صورت وقوع معامله سفهی که عقلاً آن را تأیید نمی‌کنند، چنین معامله‌ای نافذ نیست. مهریه نامتعارف عوضی عاقلانه محسوب نمی‌شود. جوانی که به خاطر شور جوانی و علاقه شدیدی که نسبت به همسر آینده خود پیدا کرده است، به مهریه نامتعارف تن می‌دهد، از عواقب آن غافل است (غروی، مهرایی زاده و فتاحی، ۱۳۹۸، ۸۶). لذا مهریه‌های سنگین و نامتعارف بیشتر از روی شور و هیجان و احساس و یا سوداگری تعیین می‌شود نه از روی آگاهی و عقلانیت.

حتی برخی فقها با مهریه‌ای که بیش از مهرالسنه باشد مخالف هستند و معتقدند دلیل شرعی هم وجود ندارد که میزان بیش از مهرالسنه جزو مهریه محسوب شود. نکته قابل توجه در امر بطلان مهریه نامتعارف این است که میزان مازاد بر مهریه متعارف، به عنوان هدیه و پیشکش است که در پرداخت آن هیچ الزامی وجود ندارد. لذا در صورت شک در صحت مهریه نامتعارف، بر اساس قاعده «اصاله الفساد فی المعاملات» حکم به فساد و بطلان آن می‌شود (غروی، مهرایی زاده و فتاحی، ۱۳۹۸، ۸۴-۸۳).

امروزه ایرادات فراوانی به میزان مهریه‌ها از نظر شرعی و عقلی وارد است من جمله: الف- در بحث مهریه در جامعه ما تنها کسانی که حق اظهار نظر ندارند فرزندان هستند و بنابراین این قرارداد فضولی و غیر نافذ است. ب- مهریه‌های کنونی بر اساس حدیث رفع از مصادیق تکلیف بما لایطاق بوده که چنین تکالیفی ساقط است. ج- حتی در بسیاری موارد مهریه‌های کنونی به لحاظ صوری بودن و فقدان قصد، باطل است. اگر مرد قصد پرداخت مهریه را نداشته باشد، اثر تکلیفی بر این عمل او بار می‌شود و مرتکب معصیت شده است. در کنار این اثر تکلیفی، عمل او به دلیل فقدان اراده و صوری بودن، اثر وضعی هم دارد و موجب بطلان مهریه است (باریکلو، ۱۳۹۰، ۸۵) با توجه به آمار قوه قضاییه فقط سه الی چهار درصد کسانی که مهریه خود را به اجرا می‌گذارند موفق به اخذ آن می‌شوند و این چه وثیقه یا پشتوانه مالی است که غیرقابل وصول است!

از جمله شواهد بر فساد مهریه نامتعارف، رسم گذشتگان مبنی بر پرداخت تمام یا بخشی از مهریه قبل از ازدواج به همسر است (نجفی، ۱۳۹۲، ج ۳۱، ۱۶). پیامبر (ص) نیز به زنان توصیه می‌کردند، مهریه خود را به شوهران‌شان ببخشند و مقدار مهریه زیاد نباشد (مطهری، ۱۳۸۷، ۲۹۱). در مهریه سنگین محل تأمل جایی است که زوج توان پرداخت مهر را ندارد و حتی در آینده نیز

به صورت متعارف پیش‌بینی نمی‌شود که بتواند از عهده پرداخت چنان مهریه سنگینی برآید. در اینجا عقد نکاح منعقد شده صحیح است. زیرا بطلان مهریه خللی به عقد نکاح وارد نمی‌کند. (جعفری، ۱۳۹۴، ۳۵۵ و ۳۵۶) بنابراین مهر قرارداد مالی است که به عنوان امر فرعی و تبعی با نکاح ارتباط دارد و آثار آن تابع خواسته طرفین و قواعد عقود است. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۲۵ و ۲۲۶ - مراغه‌ای، ۱۴۱۸، ۸۶ - آل‌بحرالعلوم، ۱۳۶۳، ج ۱، ۱۳۴ - جعفری، ۱۳۸۹، ۲۹). عقلا برای مال کلی مافی‌الذمه که امکان تأدیه ندارد، مالیت قائل نیست (باریکلو، ۱۳۹۰، ۸۶). در حال مهری که باطل باشد، بدل به مهرالمثل می‌شود (فخرالمحققین، ج ۳، ۲۰۱).

اگر توافق زوجین بر مهر حال با وجود عدم قدذت فعلی مرد منعقد شود و سپس زن به وصول مهریه از طریق دادگاه اقدام کند، چون توافق آن‌ها بر مهریه باطل و در حکم عدم تعیین مهریه است، زن هیچ حقی در استیفای آن نخواهد داشت و در این صورت وضعیت فعلی زن برای پرداخت مهرالمثل لحاظ شود. (طباطبایی، ۱۳۹۶، ۷۸) همچنین مبنای شرعی حبس زوج در قبال دین مهریه با وصف اینکه از قدرت تسلیم مهر را از ابتدا نداشته و امکان پرداخت آن را در زمان مطالبه مهریه ندارد به صورت جدی محل تردید بلکه مواجه با حرمت است. الزام به پرداخت مهریه در صورت قدرت بر تسلیم توسط زوج صحیح است. زیرا حکم شرعی تکلیفی از ناتوان و مضطر رفع گردیده است (مالایطیقون و ما اضطررو الیه).

تعیین و مطالبه مهریه‌های سنگین علاوه بر اینکه از نظر مبنای شرعی و حقوقی آن با اشکال جدی مواجه است بلکه در عمل از طریق حبس زوج یا توقیف اموال اندک وی که برای گذران زندگی لازم است ولی کافی نیست موجبات عسر و حرج شدید زوج و فرزندان وی را نیز فراهم می‌آورد که از این نظر به حکم شرع و عقل جایز نیست.

۳- ضرورت مداخله قانونگذار در تعدیل و تحدید مهریه

ابتدا باید توجه داشته باشیم که قوانین و مقررات مربوط به مسائل خانوادگی مانند قرابت، نکاح و طلاق، اولاد، نگهداری و تربیت اطفال، ولایت و حضانت که بنیان جامعه را شکل می‌دهند مربوط به «مصالح اجتماعی» بوده و تابع قواعد و مقررات آمره و اجتناب‌ناپذیر هستند. عقد نکاح هم که بر اساس رضایت زوجین و به قصد تشکیل خانواده و زندگی مشترک و نگاهداری و تربیت فرزندان واقع می‌شود در ارتباط با «مصالح عمومی» جامعه توصیف می‌شود.

مصلحت در این بحث به معنای ملاک حکم شرعی و یا منبع صدور حکم اولی نیست، بلکه امری است موقتی که حاکم و جامعه اسلامی در برهه زمانی معینی نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد. حاکم یا مسؤول و متصدی قانونی باید مواردی چون قاعده‌مندی حکم مربوط برای جامعه، حفظ اهداف دین درباره خانواده، مسأله شدن موضوع در جامعه با نگاه کلان بر اساس تحلیل‌های علمی کارشناسان، مصداقیابی عسرو حرج و به‌روزرسانی قانون درباره آن و استفاده از ظرفیت قاعده

لاضرر را در استنتاج و کشف مصلحت مراعات کند. لذا بسط ابزارهای حاکمیتی برای دخالت در عرصه قوانین خانواده ضرورتی انکارناپذیر است (علاسوند، ۱۳۹۲: ۷۶).

مهریه‌های سنگین موجب به خطر افتادن مصلحت جامعه اسلامی می‌شود چون در سال‌های اخیر تحولات اجتماعی بر مهریه مؤثر بوده است و سبب رویگردانی جوانان از ازدواج و بازماندن دختران از ازدواج و یاس و ناامیدی و زوال نشاط در جوانان و نهایتاً موجب فساد در جامعه شده است. بازداشت مردان هم تبعات منفی دارد لذا قانونگذار باید میزان مشخصی از مهریه را تعیین کند (گرچی و همکاران، ۱۳۸۴، ۲۵۰). شارع از تأسیس نهاد خانواده اهدافی داشته تنها با خصوصی قلمداد کردن این نهاد، اهداف مورد نظر تأمین نمی‌شود، بلکه دولت باید مدام در حال رصد روش‌هایی باشد که این اهداف را تضمین و راه تحقق آن‌ها را تسهیل نماید. تحولات اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی، پیچیدگی زندگی شهری و وابستگی نظام زندگی مردم به سیاست‌ها، برنامه‌ها و قراردادهای حکومتی، استفاده از سازوکارهای حکومتی برای حل مشکلات خانوادگی و اجتماعی را ضروری می‌نماید. اگرچه خانواده حیطة خصوصی است، برخی تصمیم‌گیری‌ها درباره آن ابعاد اجتماعی دارد و در چنین مواردی که حکومت در قوانین مربوط به خانواده مداخله می‌کند. ممکن است خانواده با پشت سر نهادن برخی تحولات که متأثر از الزامات زندگی در عصر جدید است، به سمت تغییراتی سوق داده شود. در مواردی باید از طرف ضعیف قرارداد در راستای تأمین عدالت حمایت گردد. قانونگذاری درباره خانواده مستلزم نگاه مردم شناسانه و جامعه‌شناسانه به آن است. بنابراین توجه قانونگذار به عنصر مصلحت در این خصوص ضروری است (علاسوند، ۱۳۹۲، ۶۸).

قانونگذار نمی‌تواند در وضع قوانین، شرایط موجود جامعه را نادیده بگیرد. موارد گوناگونی از سوءاستفاده از مهریه و تصرفات غیرشرعی در آن در جامعه ایرانی محقق شده است که علاوه بر ایجاد جدایی و فاصله میان زوجین، مهریه زن را به اهرم فشاری علیه شوهر تبدیل ساخته است. بنابراین قانونگذار موظف به اجرای راهکاری است تا مانع از بهره‌برداری نامشروع شود و استیفای مهریه موجب ایجاد فاصله میان زوجین، طلاق و سوءاستفاده اطرافیان از این سهم زن نشود. (طباطبایی، ۱۳۹۶، ۸۲) وجود خلأهای متعدد در مورد مسائل خانواده بخصوص مهریه، بازخوانی قوانین و ارائه راهکارهای فقهی و حقوقی را بر مبنای مقتضیات زمان و مکان از طریق قواعد لاضرر، لاجرم، شروط، مصلحت و عدالت، ضروری می‌سازد. (شفیع‌زاده و غیره، ۱۳۹۹، ۱۵۶)

از جمله قواعدی که برای اثبات مخدوش بودن مهریه نامتعارف می‌توان به آن استناد کرد، قاعده «اختلال» در نظام اسلامی است. این قاعده از قواعد عام و حاکمه به شمار می‌آید (باقی زاده، ۱۳۹۳، ۱۷۰). بر اساس این قاعده، هر چیزی که سبب برهم ریختگی نظام جامعه شود، ممنوع است و در موارد تزاحم، حاکم شرع موظف است که حفظ نظام را بر سایر امور مقدم سازد (همان). اختلال در نظام خانواده و جامعه، از مصادیق بارز اختلال نظام است (ورعی، ۱۳۹۳، ش، ص ۵). عقد نکاح از مواردی است که قاعده اختلال نظام در آن جاری است. مهریه نامتعارف، باعث

اختلال نظام اجتماعی از جهات متعددی می‌گردد، گسترش فساد و فحشا، تضعیف جایگاه خانواده، گریز از ازدواج، افزایش نرخ زندانیان از آثار مخرب مهریه نامتعارف بر نظام جامعه و خانواده است. برای روشن‌تر شدن مطلب رشد نرخ زندانیان مهریه، عواقب تلخ مهریه‌های نامتعارف را گوشزد می‌کند. بدیهی است که شارع حکیم به آثار و تبعات منفی مهریه نامتعارف توجه داشته است و آن را مخل نظام جامعه و خانواده می‌داند. بر همین اساس، به نظر می‌رسد شارع مقدس، مهریه نامتعارف را صحیح تلقی نمی‌کند. (غروی و غیره، ۱۳۹۸، ۸۹)

احکام حکومتی در موارد ضرورت و تراحم تشریح شده و دایر بر مدار ضرورت هستند. مانند اینکه حاکم در راستای حفظ نظام، اداره جامعه و ایجاد امنیت مالی و جانی مردم از بعضی آزادی‌های مردم در زمان و مکان خاصی جلوگیری کند (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۲، ق، ۹ و ۱۵). مصادیق خارجی موضوعات و متعلقات احکام که در بستر زمان قابل تغییر و تحول است مورد اتفاق است. موضوع مهریه در عین ثبوت از تملیکی بودن در عصر شارع به عهدی بودن در عصر حاضر تحول یافته است (رضوی، ۱۳۹۴، ۱۶۱). بر مبنای مصالح عمومی جامعه و نفی عسر و حرج، مداخله حکومت در مسائلی از خانواده مثل مهریه که ابعاد اجتماعی آن‌ها برجسته است ضروری و قابل توجیه است. کمالینکه طلاق قضایی ناشی از عسر و حرج زوجه و حتی رسیدگی افتراقی دادگاه‌های خانواده به اختلافات ناشی از روابط زوجین، از مظاهر تأثیرگذار دخالت حکومت در مسائل خانواده است.

آیت‌الله مکارم شیرازی در پاسخ به استفتائی در مورد طرح جدید مجلس مبنی بر تحدید مهریه مرقوم داشتند: «با توجه به اینکه مهریه ذر شرایط کنونی حدودمرزی ندارد و سبب اشکالات فراوانی قبل از ازدواج و حتی بعد از ازدواج شده و تأثیر بدی در جامعه گذارده است، شرعاً می‌توان حد معقولی برای آن گذارد و به نابسامانی‌های کنونی مهریه پایان داد» (مکارم شیرازی، ۱۳۹۶، سایت رسمی). راه‌حل مناسب، خروج تدریجی قانون و دخالت قوه قانون‌گذاری در این نهاد اخلاقی است. اگر قانونگذار ضمانت اجرای پرداخت مهریه را محدود کند زنان برای گرفتن آن، دست به متلاشی کردن خانواده نمی‌زنند. منظور از محدود کردن قانون در این زمینه، شامل شرایط شکلی و ماهوی صحت مهریه نمی‌شود بلکه ناظر بر ضمانت اجرای پرداخت مهریه است. باید توجه داشت که مهریه، یک وثیقه نزد زن نیست تا هر زمان که قصد جدایی داشت، از آن به عنوان اهرم فشاری علیه مردم استفاده کند. مهریه هدیه و بخششی است از جانب مرد به زن که طی آن، نه تنها ضرری به زن نمی‌رسد بلکه سراسر منفعت است. اگر قانونگذار ضمانت اجرای پرداخت مهریه را محدود کند، زنان به مهریه به عنوان یک هدیه می‌نگرند و برای گرفتن آن، دست به متلاشی کردن خانواده نمی‌زنند. از طرفی هم نکاح یک عقد معوض نیست و بدون وجود مهریه هم تحقق می‌یابد (آل اسحاق، ۱۳۸۹، ۵۴) لذا مداخله قانونگذار می‌تواند نگرش مالی و تجاری به ازدواج و مهریه را تغییر داده و دست زنانی را که به تبعیت از دیدگاه‌ها و فرهنگ‌های غلط از مهریه سوءاستفاده می‌کنند ببندد.

قانونگذار می‌تواند با وضع یک قانون شیوه تسلط افراد بر اموالشان را محدود کند یا در شکل تسلط، تصرف غیر منافی با ملکیت نماید یا شروطی را تعیین کند که افراد در پذیرش یا رد آن با اراده خود عمل کنند. در نتیجه، وضع قانون در این‌گونه موارد برخلاف قواعد کلی و عمومات فوق و در تعارض با آن‌ها نخواهد بود. (رضوی، ۱۳۹۴، ص ۱۶۰) به همین دلیل، برخی فقیهان بیان داشته‌اند به همین دلیل دولت حق دارد از تصرف بیش از حق عرفی شخص یا اشخاص جلوگیری کند (موسوی الخمینی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۵۸۸)

مسائل خانواده در میان اضلاع سه‌گانه قوانین شرع، اراده زوجین و مصالح حکومت قرار دارد. ضلع سوم با استفاده از ابزارهای حاکمیتی می‌تواند در راستای پیشگیری از مشکلات یا حل مسائل خانواده در دو حوزه تقنین و قضا، درباره این واحد دست به مداخله بزند. ظرفیت‌ها و ضرورت‌هایی بر این مداخله وجود دارد که در حوزه تقنین عبارت‌اند از: تقنین مولوی به جای تعابیر ارشادی در متن قانون، جایگزینی عبارات موسع، وجود ضرورت‌ها و مصالح اجتماعی، مصداق‌یابی عسر و حرج و به‌روزرسانی قانون درباره آن، استفاده از قاعده لاضرر و درنهایت وضع قوانین غیرفقهی در تقویت قوانین فقهی (علاسوند، ۱۳۹۲، ص ۶۵).

می‌توان گفت با عنایت به اینکه امروزه تهدید به مهریه در مواردی به عنوان سلاحی در دست زنان و یکی از مصادیق شوهرآزاری است و همچنین وصول مهریه می‌تواند موجب عسر و حرج مرد و از دست دادن سرمایه برای زندگی آینده شود. لذا مداخله قانونگذار در تعیین مقدار مهریه با تأسی از احکام ثانویه مبتنی بر مصلحت و ضروری به نظر می‌رسد. این مداخله قانونگذار از سوی دیگر می‌تواند با سبک‌های زندگی نامناسب و تشریفاتی جامعه ایران و عرف‌ها و باورهای غلط مردم به‌خصوص زنان مقابله کند چون مهریه‌های سنگین که بعضاً به فرهنگ و سبک زندگی ایرانیان تبدیل شده است موجب برهم خوردن تعادل خانواده گردیده و ازدواج تبدیل به نوعی تجارت و معامله شده که قطعاً شارع هم با این امر مخالف است. در اینجا حکم آمره قانونگذار که بنابه مصالح جامعه است، باید مقدم بر عرف و سبک زندگی نادرست در جامعه باشد. بر این اساس، امروزه نهاد مهریه صرفاً ناظر بر حوزه روابط خصوصی افراد نیست بلکه با توجه به توالی فاسد مهریه‌های سنگین و غیرمتناسب، نظم عمومی جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به نظر می‌رسد حکومت اسلامی می‌تواند بر مبنای ضرورت و مصلحت با دخالت در اراده طرفین، میزان مهریه را تحدید و تعدیل نماید. به عبارت دیگر با تعیین حداکثر برای مهریه، تجاوز از حداکثر را فاقد اعتبار تلقی نماید. مثلاً قانونگذار می‌تواند مجموع درآمد شوهر در ظرف ده الی پانزده سال را معیاری برای تعیین مهریه قرار دهد و بیشتر از آن را تجویز ننموده و مورد حمایت قرار ندهد. بنابراین دخالت قانونگذار در اراده طرفین به خاطر جلوگیری از توالی فاسد مهریه‌های سنگین و نامعقول ضروری به نظر می‌رسد. خوشبختانه قانونگذار در این راستا طرحی را در دست بررسی دارد.

اخیراً طرحی در کمیسیون حقوقی و قضایی در قالب الحاق یک تبصره به ماده (۱۱) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در مجلس دهم تحت بررسی است که چنانچه شوهر دارای اموال باشد، اموال او برای پرداخت مهریه، توقیف شده و در اختیار زن قرار می‌گیرد ولی در صورتی که شوهر اموال قابل توقیف نداشته باشد، تنها تا حد ۵ پنج سکه، مهریه دارای ضمانت اجرای حبس است. نفس این دخالت قانونگذار در میزان مهریه که در صورت عدم پرداخت آن قابلیت حبس زوج را تا پرداخت آن به دنبال داشته باشد قابل توجه و تقدیر است کما اینکه حاکمیت می‌تواند برای کاهش معضلات اجتماعی ناشی از اجرای مهریه‌های غیرمتعارف و غیر عقلایی که مصداق بارز تکلیف بمالایطاق برای زوجهاست از طریق تعیین سقف متعارف و عقلایی برای مهریه‌ها و در نتیجه تضمین حقوق زنان در این خصوص قدم نجات بخشی را برای کاهش این معضل اجتماعی بردارد. بدون شک چنین تقنینی با موازین شرعی و حقوقی نیز مغایرتی نخواهد داشت. البته این طرح هنوز تصویب نهایی نشده است.

همچنین مستفاد از کلان پایه‌هایی چون لاضرر و تسلیط، آن است که قانونگذار می‌تواند با وضع یک قانون، شیوه تسلط افراد بر اموالشان را محدود کند یا در شکل تسلط، تصرف غیر منافی با ملکیت کند یا شروطی را تعیین نماید که افراد در پذیرش یا رد آن با اراده خود عمل کند. در نتیجه وضع قانون در این گونه موارد برخلاف قواعد کلی و عموماً نخواهد بود. این پیشنهاد وجود دارد که قانونگذار، در مواردی که مهریه به شکل تعهد بر ذمه زوج قرار می‌گیرد، در زمینه منع مهریه سنگین، قانون وضع کند و جلوی ثبت مازاد بر مقدار تحدید شده را بگیرد، و در مواردی که به صورت عادی چنین تعهدی امضا می‌شود، آن را در دادگاه به رسمیت نشناسد. دولت حق دارد از تصرف بیش از حق عرفی شخص یا اشخاص جلوگیری کند (رضوی، ۱۳۹۴، ۱۶۱).

کما اینکه دولت از طریق تقنین، در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ از بعد اثباتی در تعدیل میزان مهریه دخالت نموده و مهریه‌های بالغ بر ۱۱۰ سکه بهار آزادی را مشمول ماده دو قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی ندانسته است یعنی چنانچه میزان مهریه بیش از تعداد مذکور باشد ملائت و تمکن زوج شرط پرداخت آن است در نتیجه زوجه باید توانایی زوجه در پرداخت مهریه را اثبات نماید و الا زوج در قبال عدم پرداخت مازاد بر ۱۱۰ سکه، قابل بازداشت نخواهد بود. بر همین مبنا، قانون‌گذار می‌تواند (و ضروری است) برای برون‌رفت از معضلات حقوقی و اجتماعی مهریه، به تناسب مکنت مالی زوج در تعیین سقف مهریه دخالت نموده و آن را تعدیل نماید. ضمن اینکه در توازن اقتصادی زوجین، مرد در قبال مهریه سنگین طرف ضعیف و معسر شناخته می‌شود که حمایت قانونی را ضروری می‌نماید. مسأله حمایت از طرف ضعیف به خصوص اگر با اصول عدالت و انصاف توأم باشد منجر به اصل اخلاقی خواهد بود که به صورت تکمیلی می‌تواند به قواعد آمره کمک برساند.

شایان ذکر است اثبات عسر و حرج زوج نیز مشکل مهریه را حل نخواهد کرد زیرا مراجع قضایی به اعسار مطلق زوج حکم نمی‌دهند بلکه به تشخیص خود اعسار به تقسیط پرداخت مهریه را می‌پذیرند که ممکن است مدت این تقسیط به‌ویژه بعد از طلاق، سال‌ها طول کشیده و حتی عمر زوج هم کفاف پرداخت کامل آن را ندهد و حتی بعد از مرگ زوج نیز از اموال وی قابل وصول است. لذا مهریه در حال حاضر حقی است که در صورت درخواست زن باید حتماً توسط مرد پرداخت شود و عسر و حرج مرد موجب اسقاط حق مهریه نخواهد بود.

همچنین باید اذعان نمود مداخله دولت در نهاد مهریه به معنی تحدید یا زوال حقوق زوجه نیست بلکه این مداخله در واقع در راستای تقویت و استحکام نهاد خانواده و جلوگیری از سیطره نگاه مادی بر خانواده بر مبنای عدالت و واقعیات اجتماعی روز است. لذا نفس وجود مهریه ذاتاً امر ناپسند و غیراخلاقی نیست تا قانونگذار آن را به کلی حذف کند. لذا ضرورت مداخله دولت نه برای حذف مهریه بلکه برای تعدیل و تحدید عقلایی آن قابل توجیه است تا از وقوع مشکلات فردی و اجتماعی و خانوادگی در جامعه جلوگیری نماید. آنچه نامطلوب است، مهریه‌های سنگین و غیرعقلانی است که بعضاً به‌مثابه ابزار به مشکلات جامعه دامن می‌زند. نهاد مهریه امروزه از یک مسأله شخصی صرف خارج شده و تبدیل به مسأله مهم اجتماعی شده است. لذا از این منظر مداخله دولت در این راستا مفید و ضروری به نظر می‌رسد.

بحث و نتیجه‌گیری

باینکه مهریه امری توافقی ریشه در منابع فقه اسلامی دارد اما نباید امروزه به مهریه به عنوان یک مسأله صرفاً فقهی و حقوقی نگریست بلکه باید زوایای جامعه‌شناختی آن را هم مورد توجه قرار داد. مهریه از ارکان نکاح دائم محسوب نمی‌شود و لذا نیازی به وجود مهریه‌های سنگین - که ازدواج را تبدیل به تجارت می‌کند- وجود ندارد. سفارش به سبک گرفتن مهریه در دین اسلام را می‌توان از روایاتی استنباط کرد. حتی برخی فقها به باطل بودن مهریه‌های سنگین و غیرمنطقی اشاره کرده‌اند. لذا مهریه‌های سنگین مطلوب شارع نبوده و مذموم است.

این مهریه که قرار است به عنوان نشانه علاقه و محبت و احترام از طرف مرد به زن پرداخت شود در برخی موارد تبدیل به ابزاری برای تحت فشار قرار دادن مرد می‌گردد که با فلسفه وضعی آن تعارض آشکار دارد و نوعی بی‌عدالتی در حق مرد و نقض غرض تلقی می‌شود. مهریه‌ای که در قرآن از آن با عنوان «صداق» یاد شده است نشانه صداقت، مهر، محبت شوهر به زن است. مهریه‌های سنگین در نظام حقوقی ایران جایگاه معنوی ندارد چراکه روایات ائمه معصومین (ع) و آرای فقها، عموم مسلمانان را به مهریه‌های سبک تشویق می‌کنند

مهریه‌های سنگین علاوه بر ایجاد مشکلات حقوقی، آسیب‌های اجتماعی را نیز به دنبال دارد و در خیلی از موارد موجب به خطر افتادن زندگی زناشویی و نظم اجتماعی حاکم بر آن شده است. چون در سال‌های اخیر تحولات اجتماعی بر مهریه مؤثر بوده است و سبب رویگردانی جوانان از

ازدواج و بازماندن دختران از ازدواج و یاس و ناامیدی و زوال نشاط در جوانان و نهایتاً موجب فساد در جامعه شده است.

سیطره نگاه مادی به ازدواج و دور شدن ازدواج از عشق و معنویت، افزایش سن ازدواج و کاهش آمار ازدواج و شوهرآزاری از مهم‌ترین آسیب‌های مهریه در جامعه است. یکی از مهم‌ترین تبعات و کارکردهای منفی مهریه، «شوهرآزاری» است. امروزه مهریه در برخی موارد از فلسفه وضعی خود فاصله گرفته و به ابزاری برای شوهرآزاری تبدیل شده است و وجود مهریه‌های سنگین نه تنها موجب استحکام خانواده نمی‌شود بلکه می‌تواند زوجه را تبدیل به یک طلبکار در مقابل زوج نموده که زن هر لحظه با تهدید به آن موجب آزارهای روحی و مالی مرد شود. لذا بر مبنای مصالح عمومی جامعه و نفی عسر و حرج، مداخله دولت در مسائلی از خانواده مثل مهریه که ابعاد اجتماعی آن‌ها برجسته است ضروری و قابل توجیه است

مهریه نامتعارف، باعث اختلال نظام اجتماعی از جهات متعددی می‌گردد، گسترش فساد و فحشا، تضعیف جایگاه خانواده، گریز از ازدواج، افزایش نرخ زندانیان از آثار مخرب مهریه نامتعارف بر نظام جامعه و خانواده است. برای روشن‌تر شدن مطلب رشد نرخ زندانیان مهریه، عواقب تلخ مهریه‌های نامتعارف را گوشزد می‌کند. بر همین اساس، به نظر می‌رسد شارع مقدس، مهریه نامتعارف را صحیح تلقی نمی‌کند

بنابراین برای حفظ کیان خانواده و رفع آسیب‌های ناشی از مهریه‌های سنگین، مداخله قانونگذار در تعیین و تعدیل میزان مهریه ضروری به نظر می‌رسد. این مداخله قانونگذار می‌تواند با سبک‌های زندگی نامناسب و تشریفاتی جامعه ایران و عرف‌ها و باورهای غلط مردم (عوام‌گرایی فرهنگی) به خصوص زنان مقابله کرده و نهاد مهریه را بر مبنای فلسفه وضعی آن با واقعیات اجتماعی انطباق دهد.

پیشنهادها

امروزه به دلیل نبود آگاهی‌های لازم، دختران از حق طلاق یا سایر مواردی که می‌توانند در قالب شروط ضمن عقد از طرف مقابل دریافت کنند، استفاده نمی‌کنند و بیشتر به انتخاب مهریه‌های سنگین و غیرقابل دسترس روی می‌آورند. این در حالی است که با استفاده از شروط ضمن عقد به راحتی امنیت خود در شرایط حساس را تضمین کرد و همچنین می‌توان با حذف مهریه و جایگزینی تقسیم مساوی دارایی زوج بعد از ازدواج می‌توان از آسیب‌های اجتماعی و حقوقی مهریه کاست. با عنایت به مشکلات متعدد مهریه‌های سنگین که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت، در این راستا می‌توان روش‌هایی برای حل مشکلات مربوط به مهریه در راستای جلوگیری از تضعیف نهاد خانواده را به قانونگذار پیشنهاد داد من جمله: ۱- تعیین سقف معین برای مهریه و عدم امکان ثبت مازاد بر آن ۲- تناسب سازی میزان مهریه با واقعیت‌ها و توان مالی زوج در زمان ازدواج ۳- تقریر مالیات برای مهریه‌های بالاتر از سقف مجاز و عدم حمایت قضایی از مهریه‌های

سنگین و ۴- ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی برای زنان از طریق بیمه‌های تأمین اجتماعی به‌منظور کاستن از اتکای آنان به مهریه سنگین.

References

- Al-Hurr al-Amili (1412 AH) Wasa'il al-Shia, Vol 15 and 21, Qom: Al-Bayt Foundation (In Arabic).
- Al-Hali, Mohammad Ibn Al-Hassan (Fakhr al-Muhaqiqin) (2008) Explaining the Benefits, Volume 3, Qom, Scientific Press (In Arabic).
- Al-Bahr al-Ulum, Al-Sayyid Muhammad (1363), Journal of Jurisprudence, Tehran, Sadiq School (In Arabic).
- Alasvand Fariba (2014) The Islamic Government Intervention in Family Laws (Capacities and Necessities), Womens Strategic Studies, Volume:16 Issue: 62, 65-103. (in Persian).
- Azimzadeh Ardebili, Faezeh (2012) Pathology and Legal Analysis of the Issue of Dowry Demand and Deterrent Strategies, Book of Strategic Thoughts, Woman and Family, Secretariat of the Strategic Thoughts Meeting, Publication of the Message of Justice. (in Persian).
- Baghizadeh, Mohammad Javad and Abdullah Omidifar (1393), "The Necessity of Preserving the System and Preventing Disruption in It in Imamiyeh Jurisprudence. Shiite Studies. Volume 12, Number 47 - Serial Number 47 (In Persian).
- Bahmanpouri Abdollah, Jafarpour Soheila (2018), Legal Status and Legal Dowry In The Iranian Legal System With Emphasis On The Family Protection Act 1391, Family Law And Jurisprudence (Nedaye Sadiq), Fall 2017-Winter 2018, Volume 22, Number 67; Page(S) 101 To 125. (in Persian).
- Barikloo, Alireza (2011), The Legal Status Of Great Dowry, Private Law Studies Spring 2011, Volume 41, Number 1; Page(s) 79 To 98 (In Persian).
- Emami Namini A.R. (2007) The Nature of The Marriage And The Criticism Of The Excessive Marriage Portion, Maqalat Wa Barrasiha, Winter 2007, Volume 40, Number 86; Page(S) 31 To 44. (in Persian)
- Fahimi, Azizullah and Basarti, Davood (2012), A Study of the Jurisprudential and Legal Nature of Dowry, Journal of Legal Knowledge, First Year, Third Issue. (in Persian)
- Feizi, Kobra (2007) Dowry in Iranian jurisprudence and legal system and its executive guarantee, Proceedings of the Regional Conference on Women in the Islamic Legal System, Islamic Azad University, Astara Branch. (in Persian)

Gharavi, Hassan; Mehrabi Zadeh, Mohaddeseh and Fatahi, Mohsen (2020) Critical Examination of the Fundamentals of Jurisprudence on the Uncertainty of the Mahreh Imamieh Jurisprudence, Journal of Islamic jurisprudence and law, Volume 12, Issue 2 - Serial Number 24, Winter and Spring 2020, Pages 75-95 (In persian).

Gharavi, Hassan, Mehrabizadeh, Mohadeseh, Fattahi, Mohsen (1398), A Critical Study of the Jurisprudential Principles of the Conventional Validity of Unconventional Dowry in Imami Jurisprudence, Jurisprudential Principles of Islamic Law, Twelfth Year, No. 24 (in Persian).

Ghasemi Roshan, Ebrahim (2003), Spouse Abuse, Behavioral Behavior of Husband, former Women's Book Quarterly (Womens Strategic Studies) No. 20, p 68-43. (in Persian)

Gholizadeh Sarabi A, Ghaffarian S. (2011) Pathology Of Dowry And Social, Cultural, And Economical Factors Affecting It, Sociology Of Women (Journal Of Woman And Society), Vol.2, Number 1 (5); Page(s) 121 To 140. (in Persian).

Gorji, Abolghasem et al. (2005), A Comparative Study of Family Law, Tehran, University of Tehran. (in Persian).

Jabai Al-Ameli, Zainuddin Ibn Nooruddin (2008), Argumentative Jurisprudence, Translated by Abbas Zeraat, Tehran: Fekr (In persian).

Jafari Ali (2015) Urisprudential Feasibility of Delimitation of Dowry, Islamic Jurisprudence Research Summer, Volume 11, Number 2; Page(s) 339 To 366. (in Persian)

Jalali Seyed Mahdi (2010) The Critical Investigation Of Dower In Protective Bill Of The Family, Women's Strategic Studies (Ketabe Zanan), Volume 12, Number 48; Page(s) 183 To 218. (in Persian).

Maragheyi, Mir Abdul Fattah bin Ali (1418 AH), Al-Anawin, Qom, Islamic Publishing Institute (In Arabic).

Mohammad Sarbazjamshid (2016) Invalidity of heavy dowries, interdisciplinary Researches in Jurisprudence, Volume:4 Issue: 8, p 79 – 92. (in Persian).

Mohammadi Rey Shahri, Mohammad (1377), Mizan al-Hikma, translated by Reza Sheikhi, Bija: Dar al-Hadith. (in Persian).

Mousavi Bojnourdi, Sayyid Muhammad Hassan (1419 AH), Rules of Jurisprudence, Qom, Al-Hadi (In Arabic).

Motahari, Morteza (1980), The system of women's rights in Islam, Islamic Publications, ninth edition, Tehran. (in Persian)

Motahari, Morteza (2008), Collection of works of Shahid Motahari, Qom, seventh edition, Sadra Publishing (In Persian).

Mousavi Al-Khomeini, Seyyed Ruhollah (1998), Referendums, Volume II, Qom, Islamic Publications Office, First Edition. (in Persian).

Najafi, Mohammad Hassan, Jawahar al-Kalam (1392), vol. 39, Tehran, Islamic Library (In Arabic).

Nouri, Mirza Hussein (1320), Mustadrak al-Wasa'il, old publishing, vol 15. (In Arabic).

Razavi Seyyed Mohammad (2006) A Possible Study of Enacting Law for The Prohibition Of Burdensome Dowries, Family Law And Jurisprudence (Nedaye Sadiq), Fall 2015-Winter 2016, Volume 20, Number 63; Page(S) 141 To 165. (in Persian)

Safi Golpayeghani, Lotfallah (1412 AH), Sharia rules that do not change, Qom, Dar Al-Quran Al-Karim Press (In Arabic).

Sayad, Akram; aqai bejestani, Maryam (2016) Essay on jurisprudence and possible effects of the condition of the dowry, Journal Of Woman And Family Studies, fall 2016-winter2017, Volume 4, Number 2 (8); Page(s) 151 To 161 (In Persian).

Seyyed Mohammad Javad Vaziri Fard, Fatemeh Fallah Tafti (2013) Judicial Review and Solutions for Marriage Portion Reduction, Family Law and Jurisprudence, Volume:18 Issue: 58. (in Persian).

Shafizadeh, Mohaghegh Damad and Pourabdollah, Farzaneh, Maryam Al-Sadat and Kobra (1399), Analysis of the effect of power structure change in the family on the rights of couples, Quarterly Journal of Islamic Jurisprudence and Law, No. 61, pp. 133-160 (In Persian).

Tabatabai, Seyyed Mohammad; Habibi Tabar, Javad (1396). Explanation of modern jurisprudence from family consolidation in the Iranian Islamic model of progress, a case study of article dowry. Journal of Iranian Islamic Pattern Studies, 10, (in Persian).

Tavajjohi Abdollali, Malekshah Arezoo (2013) The Place of A Large Dowry In Teachings Of The Religion, Views Of Experts In The Law (Faqih), And Positive Law, Pazhuheshname-Ye Zanan (Women's Studies), Spring-Summer 2013, Volume 4, Number 1; Page(s) 39 To 60 (in Persian).

Tusi, Abu Ja'far Muhammad ibn Hassan (1387 AD), Al-Mabsut Fi Fiqh Al-Imamiya, Volume 3, Bija, Al-Muktab Al-Murtazawiyah. (in Arabic).

Varei, Javad (1392), "Rule of Disruption in the System and Its Contents and Its Realm in Jurisprudence", Islamic government, Volume 47, No 1 (In Persian).

Yosef Zadeh, Hassan (2005) A sociological survey on dowry, Womens Strategic Studies, Volume:7 Issue: 27, p 49. (In Persian).

**The necessity of the legislator's intervention in the institution of
Mahr in order to solve today's social problem**

Abbasali Akbari^{*}

Salar Sadeghi^o

Abstract

One of the rights established by Sharia and law to protect women is Mahr. But Mahr is not one of the pillars of permanent marriage, and even a marriage without it is valid. Heavy Mahrs are one of the legal and social problems of our society. In many cases, disproportionate and unreasonable Mahrs, instead of providing financial support to the wife and the strength of the family, are used as a tool to threaten and cause anxiety in couples and as a result shake the foundation of the family to the point that it causes the phenomenon of husband abuse. Therefore, the question is whether the government can intervene in determining the amount of Mahr according to its expediency and limit and adjust it according to a commanding rule, and in order to reduce legal and social problems, prevent disproportionate and heavy Mahrs? Accordingly, in the present article, we have come to the conclusion that the government, based on expediency and necessity, can intervene in the institution of Mahr like other legal issues that have social dimensions and seek to adjust and limit the Mahr through legislation.

Keywords: Mahr, law, expediency, marriage, husband abuse.

^{*} - Assistant Professor, Law Department, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran
(Corresponding Author)
PhD student in Criminal Law and Criminology, Tabriz Branch, Islamic Azad University,
Tabriz, Iran